

بنام خدا

مدرسه

یک نهاد اجتماعی
است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زندگی و پویا

طرحهای گوناگون بمیدان میآمد ولی در برابر واقعیت این بی تفاوتی از بین میرفت حفظ واداره مدرسه در شکل معمول وتحجر یافته خود ، مطلوب کسانی بود که نیروی جوان وآینده ساز و پرخروش این کشور را میبایست بیروانند .

— مدیران وظیفه اصلی خود را ثبت نام ، تنظیم واداره مدرسه ، برگزاری امتحانات ، دادن نتایج والبتہ جواب بمراجعات روزمره میدانستند .

— معلمان ، طبق یخشنامه ، اگر میتوانستند یک سوم دانش آموزان خود را به سطح قبولی برسانند وظیفه خود را انجام داده بودند وتلویحا اجازه داشتند دو سوم از دانش آموزان خود را رها کنند .

— لحظات بیکاری برای بسیاری از مدیران ، معلمان واداره کنندگان دیگر مدرسه در طول ساعات کار بوجود میآمد تا جائی که پاره ای از کارهای خصوصی در ساعات مدرسه انجام میشد .

— بعضی از معلمان حاضر نبودندجزیک کلاس یا یک رشته تدریس و کار دیگری را بعهده بگیرند ، مبدا که احتیاج به مطالعه وتلاش بیشتر داشته باشد .

چرا چنین شده بود ؟ بی تفاوتی وسکون مرداب واراز کجا ناشی میشد ؟

یافته های ما نشان میداد که این بی تفاوتی دلسردی و دلمردگی ناشی از نگرشی بود که از صدر تا ذیل اکثریت مسئولان واداره

دراینکه مدرسه یک نهاد اجتماعی است که در آن زندگی وفعالیت درجهت هدف معین جریان دارد شکی نیست . این نهاد اجتماعی میتواند حرکتی بسته ، کند ، کم معنی وبی رمق داشته باشد وباری بهر جهت وظائفی را انجام دهد ، وهم میتواند حرکتی تند ، پرخروش ، پرمعنی وقدرتمند و سازنده در جهت شکوفائی نسل جوان پیدا کند . حرکتی در جهت رساندن این نسل به کمال انسانی ، جویگوی محیط و نیازهای آن و بالاخره حرکتی که در هر زمان و در هر شرایط به نهاد اجتماعی برای رسیدن به هدف والای خود امکان راهیابی میدهد .

در طی سالها تجربه در آموزش وپرورش ایران ، این سئوالها بطور دائم در ذهن بسیاری از معلمان ومربیان مطرح بود :

چرا مدارس ما پیش نمیروند ؟ چرا سطح آموزش پائین است ؟ چرا تحولی دیده نمیشود ؟ چه کسی مسئول است ؟ چه باید کرد ؟

درمشاهدات مکرر از مدارس قبل ازانقلاب اسلامی ، در جلسات متعدد مدیران ومعلمان نکته ای که بیش از همه توجه ما را جلب کرد نوعی بی تفاوتی ، دلسردی ودلمردگی در مدیران ومعلمان بود . کوچکترین تلاش یا صحبت برای تغییر با اعتراض روبرو میشد

مطیع و سربفرمان نشان میدادند ولی در باطن نسبت به همه بیعدالتیها ، غلطکاریها عصیان میکردند . این عصیان در طی سالهای تحصیل آنقدر فروگرفته و فروخورده میشد تا از اثر میفتاد و دانشآموز نیز شرایط را باری بهر جهت میپذیرفت ، میگذاشت استعدادهای فطری او از بین برود و معیارهای او نیز همان زندانبانان بزرگ و کوچک اجتماع بشود .



همه ما ممکن است این لحظات را دیده یا تجربه کرده باشیم : مادری دل نگران فریاد میزند ، التماس میکند ، قسم میخورد که فرزندش در روز امتحان تب داشته و مریض بوده ، تقاضا میکند به فرزندش فرصت بدهند تا دوباره امتحان بدهد ، دبیران

کنندگان مدارس حتی آموزش و پرورش در سطوح مختلف بمدرسه بعنوان یک واحد آموزشی داشتند . مدرسه برای این گروه بزرگ یک نهاد بسته بود که تنها از یک مجرا و آنهم از طریق دستور و بخشنامه حق داشت کاری و وظیفهای را انجام دهد . برنامه آن بسته و از طریق سازمان دیگری تهیه میشد . کتاب هر کلاس معین بود و طبق روشی معین میبایست تدریس شود . ارزشیابی از دانشآموز طبق ضوابط و معیارهای معین و در زمان معین انجام میشد . جدول ساعات درس طبق برنامه معین و تنظیم شده ، مدیر و معلم حق تغییر آنرا نداشتند و ساعات کار مدرسه نیز میبایست مثل روپوش و ... یکسان باشد هرماه میبایست میزان درس خوانده شده گزارش شود با بخشنامه پس از بخشنامه به مدیران خاطرنشان میکرد که حق ندارند از حدود خود پا فراتر بگذارند . در این اواخر حق انتخاب موضوع انشاء نیز از معلمان زبان و ادبیات فارسی گرفته شده بود ، راهنمایان تعلیماتی ، مدرسه ای را منظم و خوب می دانستند که در سکوت مطلق ، سکوت شبه بیمارستانی کار کند . مدیر در جای خود معلم متکلم و حده ، شاگرد سرتاپا گوش و نظم و انضباط سربازخانه ای در آن حکمفرما باشد کسی نطق نکشد و همه ای در کار نباشد .

این چنین بود که مدارس ما زندانهای شد که دانشآموزان از آن میگریختند . از مدیر و معلم میترسیدند . در ظاهر خود را

میدانند که شاگرد ساعی است و نمراتش در طی سال خوب بوده است ، ولی بناگهان مقررات چنان دیوارهای غیر قابل نفوذ قد علم میکنند ، نرمش و انعطافی در میان نیست ، شاگرد یا تجدید ویا رد میشود . مقررات باعث ظلم بشاگرد میشوند . قوانین و مقررات که در اصل بخاطر از میان برداشتن بیعدالتیها ، تبعیضها و ناروایتیها بوجود آورده‌اند خود منشاء ظلم و بیعدالتی میشوند هیچکس در دنیای کنونی نمیتواند منکر لزوم ، اهمیت و فوائد قوانین و مقررات در جامعه بشود . هیچکس نمیتواند منکر لزوم انضباط و نظم در زندگی اجتماعی ، در خانواده ، در مدرسه و در شهر و در هر واحد کار اجتماعی بشود . ولی کدام قانون و مقررات ؟ کدام نظم و انضباط ؟ آن قانون و مقرراتی که انسان را فدای خود میکند ؟ آن انضباطی که انسان و انسانیت را از میان بر میدارد یا آن قانون و مقرراتی که در خدمت انسان و انسانیت است ، در خدمت رشد و تکامل انسان است و در جهت آن تفسیر میشود .

وقتی مدرسه یک نهاد بسته است ، عاری از انعطاف و حرکت لازم ، انسانها در آن فدای مقررات میشوند . دراین سالهای خدمت دانش‌آموزان بسیاری را مشاهده کردم که مدرسه آنها را از مسیر تکامل واقعی دور کرده بدنای بی تفاوتی و عقب ماندگی سوق داده است : کودکانی را دیدم که با شوق و

ذوق و هدف آموختن بمدرسه آمده‌اند ولی وقتی دیپلمشان را گرفتند ، دیگر ———— نمیدانستند چه میخواهند و تابع جریانهای روز شدند و در پایان همواره دنبال راحت — ترین و سبکترین وبی دردسرتین کارها رفتند . فرار از سختی و تلاش یعنی گم کردن هدف زندگی ، یعنی سقوط در بی تفاوتی و دلمردگی ، یعنی انسانی که بتدریج از انسانیت عاری میشود و همه اینها نتیجه سالها تحصیل در مدرسه ایست که نهادهای بسته و غیر قابل انعطاف شده است . مدرسه ای عقب مانده که متفکران امروزی تعلیم و تربیت معتقدند آنچنان زبان‌آور بحال بشریت شده است که باید جامعه را مدرسه — زدائی کرد .

البته نمیخواهم این تجربه را تا آنجا تعمیم دهم که همه امیدها را از محصول اینگونه مدارس قطع کند . جرقه‌های زندگی را در وجود انسانها نمیتوان خاموش کرد . جرقه زندگی در هوای آزاد برای تنفس‌گر میگیرد و حرکت اصلیش را شروع میکند همان جوان چکش خورده و زندانی ۱۲ سال مدرسه در فضای باز خاصیت وجودی خود را از نو باز مییابد و حرکت و تلاش تازه‌ای را شروع میکند ، ولی در هر حال بالهای نیرومند استعداد فطریش توان اولیه خود را از دست داده است .

به تفکر و مشورت نشست .

— در چنین مدرسه‌ای انسان و انسانیت درهمه لحظات آن مطرحند . انسانها کاغذ نیستند که بتوان بر آنها اشتباه نوشت و آنها را مچاله کرد و دور انداخت و کاغذی تمیز و نو برداشت اشتباه کردن گناهی نابخشودنی میشود ، چه با سرنوشت و موجودیت انسانی افرادی کار میشود که هنوز مسئول بتمام معنای اعمال و حرکاتشان نیستند بلکه در جهت مسئول شدن متحول میشوند . در این رابطه شکی نیست که همه بزرگترها مسئولند .

— در چنین مدرسه‌ای نمیتوان شاگرد را اخراج کرد ، نمیتوان خط بطلان بر موجودیت انسانی او کشید ، نمیتوان همرا بیک چوب راند ، اصولا راندنی مطرح نیست ، نمیتوان با حیثیت و آبروی افراد بازی کرد ، نمیتوان بیش‌داوری کرد ، نمیتوان از مطالعه و تفکر باز ایستاد .



در اینجا شاید شرح تجربه‌ای، تلخی اشتباه کاری و سهل‌انگاری را بهتر بنمایاند :

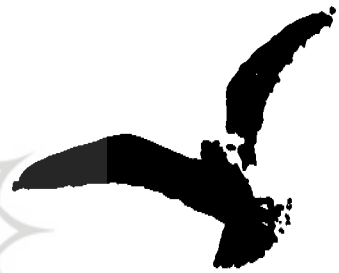
بپردازیم اکنون بمدرسه‌ای زنده و پویا در حال تحول و تکامل دائم .

چهره چنین مدرسه‌ای هرگز یکنواخت نیست . هر سال و هر ماه و هر روزش ، با هر سال و هر ماه و هر روز قبل تفاوت دارد . — در چنین مدرسه‌ای معلم عموماً ۲ تا ۳ برابر شاگرد برای خود تکلیف شب همراه میبرد . — در چنین مدرسه‌ای هر هفته جلسات مکرر کار و مشورت و برنامه ریزی در گروه‌های معلم‌ان و مربیان و دانش‌آموزان تشکیل میشود . — در چنین مدرسه‌ای معلم و شاگرد را نمیتوان از هم تمیز داد زیرا همه در حال آموختن هستند .

— در چنین مدرسه‌ای مدیر دائم در فعالیت است زیرا اوست که باید در خدمت شاگرد و معلم ، والدین و محیط باشد ، امکان کار و پیشرفت را برای همه در نظر بگیرد ، کار هر روز را جمع‌بندی کند و برنامه روز بعد را هماهنگ سازد . نیروهای داخلی و خارجی مدرسه را برای رفع نیازها در نظر بگیرد و بحرکت درآورد .

— در چنین مدرسه‌ای مدیر مشاور است و دائم " حل المسائل متحرک " زیرا در مسائل تربیتی " فردا دیر است " هر روز باید گروه‌های کاری ، عاطفی ، آموزشی و تربیتی افراد را گشود یا لااقل بآن رسید و درباره آن

سالها پیش ، در مدرسه یکی از معلمان چند بار شکایت کرد که مبلغی از کیفش برداشته میشود ، مطالعه و دقت بما نشان داد که اینکار توسط خواهر یکی از دانشآموزان انجام میشود که بهنگام ظهر و عصر برای بردن خواهرش به در کلاس میآید و از عدم حضور معلم در کلاس استفاده میکند . ما این اشتباه را کردیم که مطلب را با مدیر مدرسه خواهر در میان گذاشتیم و او برای زهر چشم گرفتن بسر دختر کلاه شیطانی گذاشت . او را سرصف به همه دانشآموزان معرفی کرد ،



کلاس بکلاس گرداند . در نتیجه شکست آنچه نمیباید میشکست و آن آبرو و حیثیت دختر بود یعنی آنچه روانشناسان تحت عنوان " تصویر درونی و برونی از خود " مطرح میکنند . راه برای سقوط کامل دختر باز شد ، حیران این اشتباه ، بصورت خارج کردن دختر از آن مدرسه و بردن به مدرسه جدید ، مراقبت برای بازیافتن آبروی از دست رفته ، سالها بطول انجامید ولی هم ما میدانیم و هم آن دختر میداند که اثرات تلخ این تنبیه غلط و زجر آور آن مدیر از خدا بی خیر هنوز درهمه ما هست . ای

کاش خود خصوصی با او به صحبت نشستیم بودیم و او را متوجه کار خلافتش کرده بودیم . تلخی این اشتباه سبب شد که اصولاً مسئله تنبیه ، آنهم تنبیه کودک ، تا جایی برای ما حساس شود که اصولاً سعی کنیم راهی برای از میان برداشتن ضرورت تنبیه در مدرسه بیابیم که تا حدود زیادی موفق شدیم " و آن داستانی است دیگر " .

— در چنین مدرسه‌ای روابط معلم و شاگرد ، روابط معلمان باهمدیگر ، روابط مدیر و معلم مدیر و شاگرد خانواده‌ها و معلمان براساس صمیمیتی است احترام‌آمیز ، دوست داشتنی واقعی ، و حرمتی که نمیتوان و نباید شکست . — در چنین مدرسه‌ای هیچ دو کلاسی یکسان نیست ، یکسان اداره نمیشود ، یکسان برنامه ندارد ، هم‌آهنگی هست ولی همشکلی نیست .

شاید ذکر تجربه‌ای در اینجا مفید باشد : در شهریور ماه هر سال معلمان مدرسه ما در جلسات سمیناری ، عمومی کلاسی و اختصاصی به برنامه‌ریزی کار سالانه خود میپرداختند . در این جلسات از همه معلمان خواسته میشد پرونده‌های سال قبل شاگردان خود را مطالعه نکنند ، بلکه خود به آشنائی با گروه جدید کودکان یا نوجوانان بپردازند . در حدود اواخر مهرماه بگویند : با چه کلاسی روبرو هستید ، ترکیب کلاس از نظر توانائیها و

معلمی را که برای آموزش و پرورش فرزندم برمیزینم

فرو بردن خشم توانا بوده و برای حل مشکل به ستیز و جدال برنخیزند معلم منتخب من فرد منظمی است که در پست تعلیم و تربیت جای گیرد چه ، اضطراب و تشویش و بهم ریختگی ظاهری حکایت از بی نظمیی و اضطراب درونی میکند .

معلم فرزند من همچنانکه از اعتدال روحی و مکارم اخلاق برخوردار است ظاهری آراسته و قیافه‌ای دوست داشتنی دارد . تسلاش و کوشش پیگیر شرط موفقیت معلم است و من برای تربیت فرزندم ، جوانانی پرتلاش و کوشا را برمیزینم زیرا احتمال دارد اختلاف سن فراوان موجب اختلاف جو فکری بین معلم و شاگرد شود ، پس معلم را برمیزینم که سنی در حد کهنولت نداشته و کم توان نباشد . کوچک باشد که از شاگردانش متمایز نباشد معلم برگزیده من نباید متکبر و مغرور باشد که تواضع شرط توفیق معلم است .

و سرانجام معلمی را برمیزینم که دقیق ، درست قول ، مودب ، قانع ، متفکر و منطقی باشد و اگر شغل معلمی برایش وسیله اعاشه

از آنجا که همه عوامل و امکانات ، کلاس ، میز ، تخته ، گچ و . . . برای آن لحظه‌ای است که وجودی شرافتمند بنام معلم بسا انسانهایی در مسیر رشد و آگاهی ، مستقیماً تماس میگیرد و زندگی پرانس و محبت خویش را آغاز میکند و دست در دست یکدیگر به قله کمالات راه مییابند . معلمی را که برای آموزش و پرورش فرزندم برمیزینم باید که سلاح علم و عمل آراسته باشد چه ، این هر دو بمنزله دو بال پرنده ای است که پرواز جز در سایه آنها امکان ندارد . از آنجا که شغل معلمی سراسر محبت است . معلمی را — برمیزینم که درس مهر و وفا از دامن پدران و مادران اصیل و نجیب آموخته باشد و نه تنها به انسان محبت بورزد بلکه با ایمان راسخ به حساسترین مشاغل اجتماعی یعنی آموزش و پرورش بپردازد . در این راه معضلات و مشکلات فراوان و اجر و مزدهای معنوی و الهی بسیار وجود دارد که همه مشکلات به سر — پنجه تدبیر و صبر و استقامت گشوده میگردد و کسانی میتوانند معلم خوبی باشند که —

است اما فکر و ذکرش همه حقوق و افزایش درآمد و دریافت بیشتر نباشد . و در این زمان که انقلاب شکوهمند اسلامی ایجاب میکند

هفته‌ای یکی دو ساعت اضافه بر ساعات معمول و متداول در میان سایر معلمان تدریس برعهده گیرد .

شورای معین مدرسه

شاگردان آن کلاس تکالیف دروس دیگر را بهتر انجام میدهند ؟ میزان تکالیف زیاده نیست ؟ آیا آن درس به خصوص ، بخوبی به شاگردان تفهیم میشود ؟ اینها مسائلی است که ممکن است بنظر ساده آید اما بررسی آن دشوار ، غیر از اینکه ممکن است ساعتها بطول انجامد میتواند پرثمر و مفید فایده باشد .

۳- اگر در مدرسه شما معلمین جدیدی مشغول بکار شده‌اند ، در شورای عمومی نکات مفید و ضروری اداره کلاس ، نحوه تدریس ، برخورد و رفتار با دانش‌آموزان و نظایر آنرا باید تذکر داد و یادآوری نمود . در این مورد خصوصا میتوان از تجربیات و نظرات آموزگاران با سابقه استفاده کرد .

+++++

اینها نمونه مسائلی است که ممکن است در شورای عمومی مدرسه مطرح شود . توجه داشته باشید که در طرح مسائل از هرگونه سخنی که ممکن است بنحوی یا جهتی با شخصیت و منزلت یکی از اعضاء برخورد کند

بقیه از صفحه ۳۹

بطور مستقیم باید پرهیز شود . تذکر غیر مستقیم مسائل در حالیکه از چارچوب ادب خارج نشود با لحن متین و نرم بلاشکال میباشد .

بطور کلی از طرح مسائل منفرقه که خارج از هدف و منظور شورا است خودداری شود تا نتیجه‌گیری از مباحث عملی تر باشد .

سعی شود شورا در ساعت معین تشکیل گردد و زمان آن بیش از حد طولانی نشود . معلمین و مسئولانی که نظرات مشابه با بیانات مطرح شده در شورا دارند از ایراد سخن و صحبت خودداری کنند . البته در صورتیکه لازم باشد مسئله بیشتر و بهتر شکافته و بررسی شود ، جای سخن باقی است .

میتوان در شورا ، مثلا بمدت یکساعت بر روی یک کتاب تربیتی یا آموزشی بررسی و مطالعه کرد . روشهای مختلفی برای اینکار قابل ارائه است . مثلا هرکدام از مربیان تعدادی از کتاب را در شورا بیان کنند یا کتاب خلاصه برداری شده در شورا مطرح شود طرحهایی نظیر اینکار بر باروری شورا و ثمر دهی آن میافزاید .

توليد معلمين در مدرسه

تشكيل شورا در مدرسه ، اساسا براي اين منظور صورت ميگيرد كه هماهنگي لازم بين مسئولان مدرسه تحقق پذيرد و خط مشي واحد و استواري براي اداره مدرسه اتخاذ گردد تا در برخورد با شاگردان تشتت نظر و عمل وجود نداشته باشد .

بديهي است كه وجود اختلاف نظر و تفاوت بين عمل مسئولان يك مدرسه ، عكس العمل هاي مختلفي را از سري و بي توجهي شاگردان نسبت بـمدرسه و درس و اولياء مدرسه گرفته تا احيانا سوءظن ها و بدبينى هايي را نسبت به بسياري از امور در ذهن محصل برميانگيزد . نقش شورا در مدرسه بمنظور جلوگیری از پديد آمدن چنين حالات و كيفياتي است كه حداقل زيان و صدمه آن ، نپرداختن دانش آموز به درس و تحصيل علم است .



برای نیل بچنین هدفی شوراهای مختلفی در مدرسه میتواند تشکیل شود . شوراهائی که در آن مسئولین مختلف مدرسه مانند سرپرست مدرسه ، معلمین یک کلاس بخصوص ناظمین مدرسه ، معلمین یک درس بخصوص در مدرسه و امثال آن شرکت میکنند . یکی از این شوراها هم میتواند شورای معلمین مدرسه باشد که از همه این افراد تشکیل میگردد . فرض کنید بخواهیم در یک مدرسه ، شورای معلمین مدرسه را تشکیل دهیم . در این شورا چه مطالبی مورد بررسی و شور قرار میگردد ؟ زمان آن چقدر باید باشد ؟ چند روز یکبار تشکیل شود ؟

شورای معلمان مدرسه بهترین محل برای طرح مسائل ومشکلات آموزشی و تربیتی مدرسه است . دراین شورا مسائلی را که معلمین در طول چند روز گذشته ، بین دو جلسه شورا ، در زمینههای آموزشی و تربیتی داشته اند مطرح و بررسی میکنند . بنابراین مدت زمان تشکیل دورهای شورا برحسب نیاز مدرسه تشکیل میگردد ، لکن بهتر است فاصله تشکیل جلسات آن از یک هفته بیشتر نباشد .

اداره شورا با یک کسی است که خود معلمین او را برگزیده اند تشکیل میگردد . اعضاء حاضر در شورا که شامل معلمین ، ناظمین و سرپرست مدرسه میباشد مسائلی را که در طول چند روز اخیر با آن برخورد داشته اند تک تک مطرح مینمایند . اعضاء

شورا بنابر تشخیص مدیر میتوانند بر روی آن بحث کنند و نظرات خود را ارائه دهند و تصمیم واحدی را در مورد آنها اتخاذ نمایند توجه کنید که اساس چنین شوراهائی بر تفاهم و حسن استقبال از نظرات همکاران فرهنگی دیگر است بنابراین اعضاء شورا اخلاقا موظف به توجه و پذیرش نظرات دیگر برادران خود که در شورا تصویب میشود میباشد . در غیر اینصورت بسهولت میتوان مسائل سادهای را در شورا مطرح نمود و آنها را چنان بحث انگیز کرد که مدت زیادی وقت شورا را بگیرد بدون آنکه نتیجه مفیدی بر آن مترتب باشد .

برای روشنتر بودن مطلب میتوان از چند مثال ، از مسائل جاری مدرسه را که در شورای عمومی قابل طرح و بررسی است ارائه نمود .

۱- وضع نظافت شاگردان چگونه باید باشد ؟ کنترل اینکار بعهده چه کسی در مدرسه است ؟ تمیز بودن دستها ، ناخن ، مو مناسب بودن لباس ونظایر آنرا چه کسی باید در مدرسه کنترل کند ؟ آیا این کار بعهده ناظمهای مدرسه است ؟ آیا هر مربی اینکار را مورد نظر و دقت قرار دهد ؟

۲- فرض کنید یکی از معلمین در شورا کلمه مندست که شاگردان تکلیف درسی او را بخوبی انجام نمیدهند . دراین باره باید نظرات سایر معلمین را دانست . آیا

قیدهای دست و پا گیر

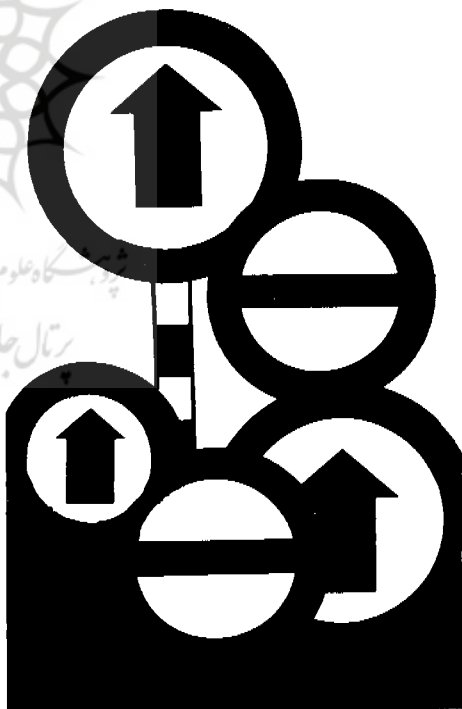
و

آزادیهای خطرناک

خطرناکتر از هر چیز آنست که پدر و مادر
فرزند خودشان را با قیدهای دست و پا گیر
محدود و ناراحت کنند ولی در مراسمی
خطرناک او را رها نمایند .
مثلا در انتخاب دوست ، راهنمائی—
نکنند و در فکر نباشند که دوستانش را
بشناسند اما در عوض ، شیک بودن لباس و
طرز نشستن سرمیز غذا ، برایشان بسیار مهم
باشد و یا مثلا اطاق مخصوصی برای او تهیه
کنند و دیگر کاری نداشته باشند که در این
اطاق چه کارهایی در خلوت یا با دوستش
انجام میدهد ولی برای نشستن روی زمین
یا صندلی ، ناراحتش کنند .

هیچ نمیدانند فرزندشان هنگامیکه بخانه
دوستش میرود وقتش را چگونه میگذراند .
ولی سعی میکنند تا با شلواری که اطویش تازه
است برود !!

بسیار مواظبتند که مبادا غذایش سرد شود
و او را ناراحت میکنند که چرا سروقت ، غذا
یا میوه‌اش را نخورده ، ولی در دیدن یا
شنیدن برنامه‌های تلویزیون و رادیو کنترل
و محدودیتی در کار نیست . هر مجله و ورق
پارهای را اگر چه دارای مطالب مفسد و خلاف
باشد ، آزاد است بخواند . این نوع



آزادیها جز خراب کردن بچه نتیجه‌ای ندارد و در خانواده‌هایی اعمال میشود که هدف از آزادی بچه و محدودیت او را نفهمیده‌اند .



باعث تنها ماندن او در محیط و رنجیدن محیط از او میشود . آزاد کردن از تنبلی و تن پروری است ، که اگر بسراغ انسان بیاید او را به نابودی کشانده از انسانیت خارج میکند . آری اگر این نوع آزادیها را بـه فرزندانمان بدهیم خواهند توانست از نوع رشد صحیح و فعالیت مثبتی برخوردار شوند .

" اطاعت "

اساس تربیت خانواده را بعد از محبت ، اعتماد تشکیل میدهد ، یعنی محبت پدر و مادر باید آنقدر بموقع و بجا باشد که طفل احساس کند او را دوست دارند و دوستانی هستند که در سختیها از بذل هرگونه کمک باو دریغ نمیکنند و اگر او را به کاری فرمان میدهند ، یا از کاری منع میکنند ، فقط برای حفظ منافع خود او بوده و هیچگونه نظـر بهره برداری از او را ندارند .

اطاعتی را که از بچه انتظار داریم باید طوری مفهوم شود که آنرا یک نوع خودیاری و تعاون در راه کمال ببیند و بفهمد که بدون کمک و راهنمایی و اطاعت از ما ، نمیتواند رشد صحیح داشته باشد و در زندگی پیروز شود . آنچه بسیار مهم است پرورش قوه تفکر و قضاوت اوست که بتواند خودش راه صحیح و عاقلانه ای را که همان اطاعت از راهنما است انتخاب کند و باید این اطاعت به جبر و زور و یا تقلیدی کورکورانه نباشد .

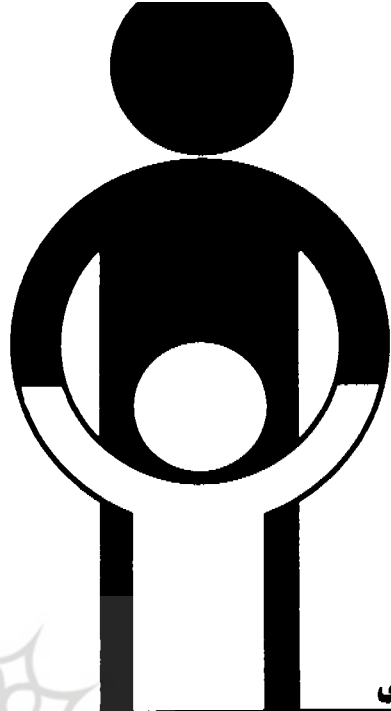
نیاز واقعی بچه‌ها در آزاد کردن آنها از شر بیماریهای جسمی و اخلاقی است و تا موقعیکه ریشه این بیماریها از وجود بچه‌های ما کنده نشود ضعیف و محکوم به شکست خواهند بود .

این بیماریها و عادات زشت و بی‌نظمی ، بدزبانی ، هرزگی ، تنبلی ، تن پروری ، خودخواهی و نداشتن نظافت و بهداشت و امثال اینهاست که باید از شر اینها آزادشان کرد .

آزادی واقعی و سازنده بچه ، آزاد کردن او از بی نظمی است که بی‌نظمی باعث کند شدن فعالیت و احیانا باعث ایستادن او از تحرک است .

آزاد کردن او از شر عادات زشت ، که ممکن است یک عمر او را زجر دهد و نتواند خود را از آنها رها کند .

آزاد کردن از خودخواهی است ، که



طباطبائی

انضباط

شاگردان روشن کرد بآنها اطمینان داشت همکاری در آنها بوجود آورد ونسبت به ارزشهای عالی انسانی ایشانرا حساس کرد و برای برخورداری از آزادی قبول مسئولیت و خویشتن داری بآنها فرصت مناسب داد . باید بآنها کمک کرد تا رفتار خود و اثرات آن را در جامعه وعلل بروز آنرا تجزیه و تحلیل کنند وبه نتیجه صحیح برسند . بدیهی است در بعضی از موارد این اقدامات فایدهای ندارد و باید کمک روانشناسان و متخصصان خواسته شود .

هرگاه در جریان پرورش انضباط باصول کلی پائین توجه شود نتایج بهتری عاید میشود :
۱- مقصود اصلی از برقراری نظم معتاد

بطورکلی انضباط مساله‌ای است که مانند سایر دروس وهدفهای تربیتی باید آموخته شود و همانگونه که مسئولیت آموختن مطالب با شاگرد است دارا گشتن انضباط درون نیز به عهده خود او است . اما همانگونه که شاگرد بر اثر تجربه‌های مفید تفکر وتمرین و ارزشیابی مطالب را میآموزد برای داراگشتن انضباط به محیط مساعد و تجربه‌های متناسب نیازمند است . بوجود آوردن شرایط لازم از وظائف خانواده‌ها و مربیان است . با دست انداختن تمسخر و تهدید ، فحش و ناسزا و تنبیهِ نمیتوان رفتار صحیح را با افراد آموخت . باید باین منظور برنامه‌های صحیح طرح اجرا کرد مثلاً مزیت رفتار صحیح را برای

ساختن شاگردان بخویشتن داری ، ملاحظه دیگران ، لذت بردن از اعمال صحیح و ایجاد احساس مسئولیت اجتماعی همکاری و نظایر آنها است و این کار از طریق آموختن مطالب لازم و ارزشها ، مهارتها ، علاقه‌ها عادات ووجهه نظرهای مساعد صورت میگیرد

۲- باتکمه موازین وحد نصاب‌های رفتار را مالا جامعه تعیین میکند شاگردان باید برای تشخیص رفتار خوب از بد ضوابطی داشته باشند . رسیدن باین ضوابط به کمک شاگردان بی‌اندازه موثرتر و بهتر از آنستکه ضوابط را بآنها تحمیل کنیم . هنگام اصلاح شاگردان خاطی گذشته از توجه به معیارهای مدرسه به ضوابط موجود آنان نیز باید توجه کافی مرعی شود .

۳- پرورش خصوصیات اخلاقی انضباط درون ومعنقد ساختن افراد به معیارها و ضوابط مورد پسند اجتماع عملی است بسیار طولانی ومستلزم طرح واجراء برنامه‌های دراز مدت .

۴- شخصیت شاگرد حتی آنکه خطا میکند باید موردتوجه معلم باشد . مقصود دادن امتیاز بشاگرد خاطی نیست منظور آنستکه بجای انتقام کشیدن سرزنش وتنبیه کردن شاگرد به علل اصلی رفتار او توجه کنیم و اصلاح و معالجه آنها را قبل از هرچیـــــز بخواهیم .

۵- شخصیت معلم در اصلاح رفتار شاگرد و پرورش انضباط در وی تاثیر فراوان دارد .

جوانان عموماً قهرمان پرستانند . باید شخصیت معلم چنان باشد که او را بعنوان قهرمان خود بپذیرند و از وی تاسی کنند از طرف دیگر شاگرد نباید انکاء کامل به معلم خود داشته باشد باید در عین پیروی از معلم وتقلید خصوصیات اخلاقی و روحی او مستقل ومبتکر هم باشد .

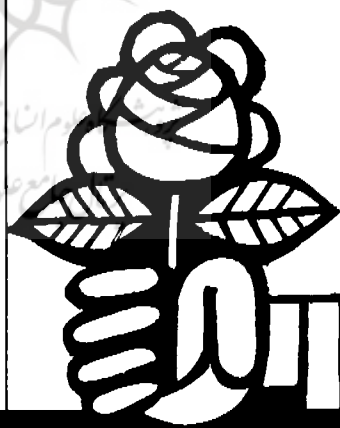
۶- احترام به معلم هم لازم است . معلمان برگزیده هیچوقت احتیاج به اجبار شاگردان بمنظور جلب احترام آنها ندارند بلکه با ایجاد روشهای صحیح - معلومات زیاد علاقه داشتن بشاگردان آمادگی برای پاسخ دادن به سئوالهای شاگردان - اعتماد کردن بشاگردان - تبعیض نکردن وبا انصاف بودن - کمک بشاگردان در موقع ناراحتی احترام را برای خود میخرند . شاگردان میدانند کدامیک از معلمان در خور احترام‌اند و ازاین کار دریغ و مضایقه ندارند و حتی در آن مبالغه میکنند .

۷- هنگام معالجه شاگردان گاهی توسل به زور لازم است ولی هدایت وراهنمائی شاگردان باید مقدم بر هرکار دیگر باشد . رفتارهای غیر اجتماعی شاگردان بعلت بد بودن آنها نیست . رفتارهای بد را در اجتماع وتحت تاثیر عواملی مانند خانه ، مدرسه همبازیها ، محیط زندگی و تجربه‌های شخصی آموخته‌اند . هرگاه دراین عوامل تجدید نظر و نظارت شود ومحیط مساعد بوجود آید رفتار ناهنجار شاگردان از بین میرود .

و تفکر کردن درباره مسائل حیاتی وارزنده همکاری در اجراء طرح‌های مفید - همکاری در ساختن چیزهای لازم - تزیین کلاسها تهید گزارشهای لازم - استفاده و ارزیابی از کارهای انجام شده - جمع‌آوری نمونه‌ها مصاحبه با دانشمندان - شنیدن سخنرانی دیدن فیلمهای جالب - مطالعه در کتابخانه و مراجعه به منابع علمی - تجربه و آزمایش - برپا ساختن نمایشگاه - دکلمه

همانگونه که قبلا ذکر شد هدف اصلی پرورش افرادی است متعادل ، خیرخواه ، خویشتن - دار و با ملاحظه معتقد بر فراه دیگران آماده برای قبول مسئولیت و معتقد به لزوم آزادی رسیدن باین هدف ها برنامه‌های صحیح و معلمان دلسوز و صمیمی و با حوصله می‌خواهد و مدت‌ها وقت میگیرد .

با پیش‌بینی‌های لازم میتوان محیطی مساعد برای یادگیری بوجود آورد و از تعداد خطا - کاران بمیزان قابل ملاحظه کاست اقداماتی از قبیل طرح و اجراء برنامه‌های مفید - پیش - بینی فعالیت‌های متنوع وبا معنی - به‌وجود آوردن مقصود در شاگردان مشغول داشتن اطفال به تجربه‌های آموزنده - بحث - سؤال جواب - مصور کردن مطالب - گردشهای علمی بنمایش گذاشتن قسمتهائی از برنامه - نامل



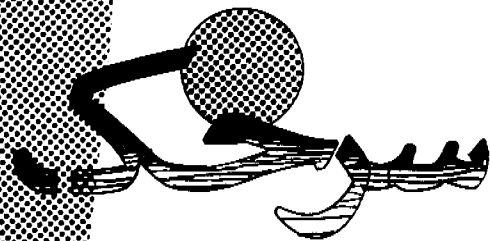
و بازی کردن در روی صحنه تاتر - تشکیل انجمن دانش آموزان - مباحثه مشاعره رقابت های مشروع - مقاله نویسی - پیش بینی کارهای اضافی برای شاگردانی که زود کار خود را تمام میکنند و دعوت از آنها برای کمک بشاگردان ضعیف - سازگار ساختن مفاد برنامه با استعداد - های متفاوت شاگردان - ستودن کار خوب شاگردان و بسیاری از کارهای آموزشی دیگر که شاگردان را بکار مفید مشغول میدارد و همچنین مرتب و منظم کردن وسائل کار بهداشتی کردن محیط آموزشی - بوجود آوردن نظم و ترتیب خاص برای امور جاری کلاس و مدرسه - تعیین ضابطه هایی برای رفتار به کمک شاگردان - دعوت از ایشان به همکاری و خدمت در آموزشگاه - واگذاری مسئولیتهائی چند بشاگردان بطور قابل ملاحظه از تعداد خاطیان میکاهد - برنامه های خشک مدارس قدیمی تمرین های زیاد و یکنواخت - کارکشیدن بدون فایده از شاگرد - اطاقهای مخروبه و تاریک وسائل ناکافی و شکسته روحیه انضباط را در شاگردان میکشد . ممکن است برای رعایت ادب و احترام ظاهری به معلم چیزی نگویند ولی انرژی خود را صرف کارهای دیگر میکنند بی - انضباط قلمداد میشوند و مورد ملامت سرزنش قرار میگیرند . در صورتیکه تقصیر اصلی یا دستگاه آموزشی و نبودن محیط

مساعد برای یادگیری است . باین نکته نیز باید توجه داشته باشیم که کارهایی از قبیل خندیدن شوخیهای کوچک و لطیف صحبت کردن باهم - انداختن کتاب و قلم بزمین و نظایر آنها نشانه افراد سالم و پرانرژی است و در هر حال و در هر محیط ادامه خواهد داشت معلمهاییکه میخواهند شاگردان کاملاً بدون اذیت و فرشته خو باشند هرگز به آرزوی خود نمیرسند . راه صحیح آنستکه اطفال را بشناسیم آنها را چنانکه هستند قبول کنیم و با ایجاد روشهای صحیح و با دلسوزی آنها را بقبول مسئولیتهای متناسب و خویشتن داری تشویق کنیم . قضاوت صحیح بدون دادن فرصت کافی بشاگردان برای تجزیه و تحلیل تجربه ها و ارزشیابی از اثر و فایده آنها بدست نمیآید توسل به تنبیه تمسخر و تهدید - ذکر کلمات زننده و توسل به اعمال وحشیانه اوضاع را وخیم تر میکند و معلمان را در نظر شاگردان موجوداتی ضعیف ، عصی و بیمقدار جلوه میدهد .

با آنکه پیشگیری های معلم از بروز رفتارهای خلاف میکاهد بکلی نمیتواند مانع ظهور آنها باشد .

در کلاس گاهی رفتارهایی از شاگردان سر - میزند که مستوجب تذکر ، توبیخ ، اصلاح و یا تنبیه است . ■ ■

بقیه در صفحه ۵۶



وراه پیشگیری آنرا بشناسیم



اسهال و تورم مغز سینه پهلوی و تار شدن چشم و گاهی کوری مبتلا شود ، همین مرضهای سخت بعد از سرخک سبب تلف شدن کودک میشود .

سرخک چگونه مرضی است ؟

سرخک از چه راه با انسان سرایت میکند ؟

اگر کودکی بدیدن مریض سرخکی برود ممکنست با سرفه و عطسه‌ای که مریض میکند مقداری میکرب بیماری بطرف طفل سالم برتاب شود و او را مبتلا سازد . میکرب سرخک بیشتر از راه ترشحات بیمار وارد بینی و گلو شده انسانرا مبتلا میسازد همچنین کسانی که بیادست بیمار سرخکی میروند ممکنست میکرب بیماری را به اطرافیان خود منتقل سازند .

چه کنیم تا سرخک مبتلا نسویم ؟

خوشبختانه با پیدا شدن واکسن سرخک

سرخک بیماری واگیرست که اغلب انسان در زمان کودکی بدان دچار میشود . سرخک ناخوشی خطرناکی است و عوارضش سبب تلف شدن طفل میشود .

علائم سرخک چیست ؟

تب شدید - آبریزش از بینی همراه با چشم درد و سرفه که پس از ۳ تا ۵ روز دانه‌های قرمزی روی صورت و پس از آن روی پشت و سینه و دستها و پاها میزند .

عوارض سرخک کدامند ؟

دراثر بی احتیاطی و ناپرهیزی بعد از سرخک کودک ممکنست بگوش درد چرکی و

کنید .

میتوان کودکان را از ابتلا و مرگ و میر ناشی از سرخک نجات داد .

۱- بایک بار تزریق کودک تمام عمر از خطر این بیماری نجات پیدا میکند .

۲- بعد از تزریق واکسن کودکان ممکن است دچار تب شوند این تب کاملاً بدون خطر و معمولی است و احتیاج به درمان نداشته بدون هیچ عارضه‌ای خود بخود برطرف میشود . در موارد شدید فقط خوردن قرص مسکن سبب از بین رفتن تب خواهد شد .

۳- با تزریق واکسن هیچگونه عوارض خطرناکی از قبیل اسهال ، سینه پهلوی ، ورم مغز ، گوش درد که در سرخک مشاهده میشود بوجود نخواهد آمد .

توجه کنید

سرخک بیماری واگیرست که عوارض سختی دارد اگر از بروز این عوارض جلوگیری نشود ممکن است برای جان بیمار خطر داشته باشد . با تزریق واکسن سرخک جان اطفال خود را از ابتلا باین بیماری خطرناک نجات دهید .

چه کنیم که کودکان سرخک مبتلا نشوند ؟

۱- در اولین فرصت واکسن سرخک تزریق نمائید .

۲- از تماس و بازی با بیماران خودداری

۳- کودک مبتلا به سرخک را در اطاق جداگانه بستری نمائید .

۴- کودکان باید بعبادت بیمار مبتلا به سرخک نروند .

۵- تمام وسائل شخصی بیمار را بوسیله جوشاندن ضدعفونی نمائید .

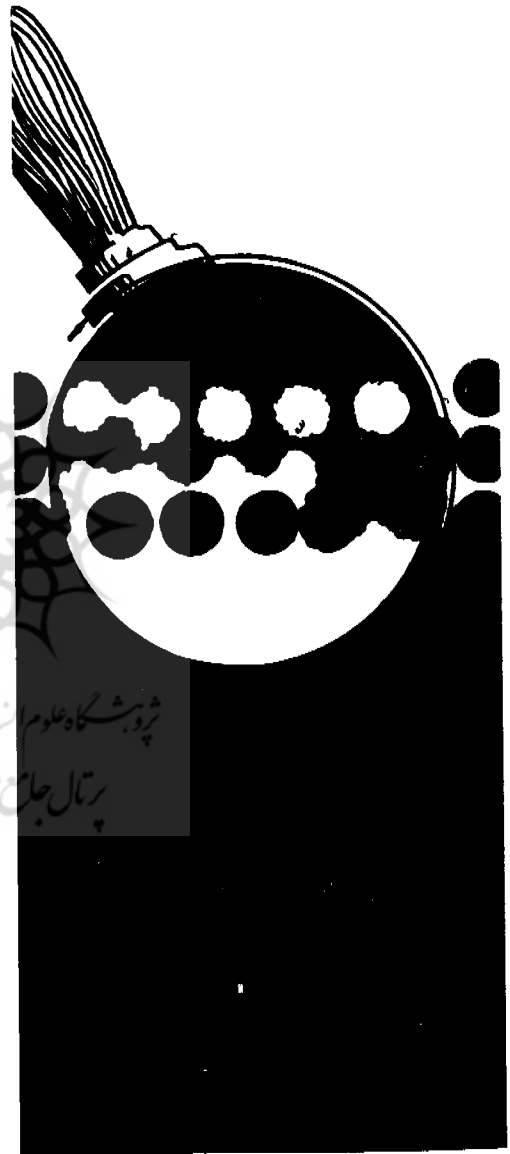
بقیه از صفحه ۲۷



زود باز بتلاش و کار پرداخته بودند ولی هنوز آفتاب اشعه زریں خود را پهن نکرده بود که خطر در چند قدمی آنها قرار گرفته بود ولی آنها از شدت خستگی و بیخوابی و شور و هیجان کار آگاه نبودند لحظاتی چند گذشت ناگهان سیل مهیبی همه آنان را در کام خود فرو برد یکی دونفر از دوستانش خود را نجات دادند ولی سیل خروشان جسد معلم نمونه ما را به همراه خود برده بود روز بعد جسدش را در کنار تخته سنگی در یکی از روستاهای دیگر یافتند .

آری او یک معلم نمونه و انسانی فداکار بود .

یادآوری ها



ولی گرامی ، برای آنکه بتوانیم ، فرزندی سالم و کوشا داشته باشیم ، لازم است به مسائل جسمی و روحی او توجه کامل نمائیم . نکات زیر ، یادآوریهائی است که مربیان برای پیشرفت دانشآموزان متذکر گردیدند

۱- ساعت شروع کار مدرسه او را همیشه بخاطر داشته باشید و همچنین ساعات پایان درس را همیشه رفت و آمد او ، مقدار وقتی را که در مسیر منزل و مدرسه صرف میکند ، حساب شده و مد نظر شما باشد ، برای آنکه دانشآموز به نظم و ترتیب عادت کند ، مقدمات حرکت از منزل را طوری فراهم سازید که قبل از ساعات مقرر در مدرسه حضور داشته باشد .

۲- بهتر است برنامه خواب او را طوری تنظیم فرمائید که شب را زود بخوابد ، و صبح پس از صرف صبحانه ، با نشاط کامل به مدرسه بیاید .

۳- کار ، استراحت ، خواب ، غذا ، نظافت ، انجام تکالیف و سایر امور مربوط به او ، اگر با برنامه منظم و راهنمایی دقیق شما اجرا شود ، بزودی به نظم و ترتیب عادت میکند .

(دراینمورد بهداشت ، خصوصا مسواک دندانها سهم بسزائی خواهند داشت)

۴- چه خوب است که دانشآموز ، برنامه مدرسه و درسی را هر شب ، قبل از خواب تنظیم کند ، وسائل لازم را در کیف بگذارد لباسهای خود را نیز آماده سازد تا صبح با

تشویش خاطر وعجله روبرو نشود بدیهی است اگر دانش‌آموز محل معینی برای وسائل خود داشته باشد ، کمک شایانی به این امر است .

۵- سادگی بهترین زینت وآرایش است ، بنابراین لباس و لوازم فرزند خود را کاملاً تمیز ، ساده وعاری از هرگونه تجمل انتخاب فرمائید .

۶- مراقبت فرمائید که وسائل تزئینی واضافه همراه نیاورد .

۷- لازم و ضروری است که اگر وسیله‌ای را گم کرد یا چیزی زیاده به همراه آورد ، مورد رسیدگی وبررسی شما قرارگیرد ، تا از اسراف وبی بند وباری جلوگیری کرده باشیم .

۸- در قسمتهای مناسبی از : کیف ، کت لباس ، شال گردن ، دستکش ، وسایر لوازم اسم او را بدوزید و یا بنویسید .

۹- تکالیف وکارهای هرشب را دانش‌آموز در دفترچه یادداشت روزانه مینویسد ، همه شب این دفتر را ملاحظه فرمائید و با رفق و مدارا مراقبت نمائید که کار هرروز را همان شب انجام دهد (زیرا فاصله در انجام تکلیف سبب فراموشی درس وتکلیف خواهد شد) وپس از بررسی ورفق پدرانه ومادرانه ونهایت دقت در انجام کار ، دفتریادداشت را امضاء میفرمائید .

۱۰- اگر به علت موجهی فرزندان از آمدن به مدرسه معذور است ، قبل از ساعت ۸ صبح ، دفتر مدرسه را از علت غیبت مطلع



یادآوری ها

فرمائید ، زیرا تلفنهای رابط ، ویا خرابی
تلفنها ، و تراکم کار ، برای مسئول حضور و
غیاب مدرسه ایجاد مشکل خواهد کرد .

۱۱- هنگامیکه دانشآموز غایب بـمدرسه
بازگشت ، (اگر مریض بود) لازم است
بهبودی کامل حاصل کرده باشد ، و در صورت
مراجعه پزشک نیز ضروری است که گواهی
سلامت بهـمراه داشته باشد .

در صورت عدم مراجعه به پزشک ، نامه‌ای
از ولی جهت تکمیل پرونده و موجه بحساب
آمدن غیبت لازم است .

۱۲- اگر خدای نکرده ، فرزندان بیمار
شد ، خصوصا در بیماریهای سری ، از آمدن
او به مدرسه خودداری فرمائید ، تا از

سرایت امراض بدیگران جلوگیری کرده
باشیم .

دردوران نقاهت ، دانشآموز میتواند با
تلفن کردن به دوستان همکلاس خود از کارها
و تکالیف مدرسه با خبر شود .

۱۳- هیچوقت بخاطر مسافرتها ، فرزند
خود را از درس محروم نسازید ، چه بسا
عدم حضور در یک درس باعث عقب ماندگی
در دروس بعدی شود .

۱۴- درکارهای عمومی مدرسه با مدیر و
معاون ، و در امور درسی و اخلاقی با مسئول
کلاس فرزند خود تماس بگیرید .

۱۵- تلفن مدرسه منحصرا برای کارهای
ضروری و کوتاه است ، متمنی است برای کسب



معلمی شغلی با مسئولیت

خیلی باید چشمها را باز کنید و شغل مهم خودتان را که انتخاب کرده‌اید بسیار شغل عالی است لکن به مسئولیتش هم باید توجه کنید تربیت کنید مهم تربیت است علم تنها فایده ندارد علم تنها گاهی مضر است این باران که رحمت الهی است وقتی که در گله‌ها میخورد بوی عطر بلند میشود وقتی که به جاهای کثیف میخورد بوی کثافت بلند میشود علم هم همین طور است اگر در یک قلب تربیت شده علم وارد بشود و عطرش را عالم میگیرد و اگر در یک قلب تربیت نشده و یا فاسد بریزد این علم وارد بشود این فاسد میکند عالم را اذا فسد العالم فسد العالم و اگر صالح بشوند صالح میکند یک شعاعهای زیادی دارد که صلح و باصلاح و بخوبی میرساند مردم را و شما متصدی یک هم چه امری هستید شماها متصدی هستید که این عالم را بنور برسانید از ظلمات این بجه‌هایی که نورانی هستند آن نورانیت آنها را شکوفا کنید شما متصدی یک امر بزرگ هستید آنها را تربیت اسلامی و صحیح بکنید تا انشاءالله کشور شما سعادت خودش را پیدا بکند .

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته . . .

اطلاع از وضع درسی و اخلاقی فرزندان حضورا با مربی مربوط ملاقات نمائید .

۱۶- برای آنکه دانش‌آموز بتواند وظائف و تکالیف خود را بخوبی انجام دهد ، لازم است محیطی آرام و مطمئن داشته باشد ، در صورتیکه اطاقی جداگانه ممکن نباشد ، باید از شلوغی و پراکندگی در محیط انجام تکلیف او جلوگیری شود ، تا با حواس جمع بکار خود بپردازد .

۱۷- استفاده از تلویزیون نیز باید برابر برنامه‌ای صحیح و حساب شده باشد ، زیرا استفاده طولانی از آن علاوه بر وقت‌گیری دانش‌آموز را خسته میکند ، و با اتلاف وقت و دیر خوابیدن ، صبح‌کسل و ناراحت به مدرسه خواهد آمد ، در این صورت از کلاس به اندازه کافی استفاده نخواهد کرد بنابراین از مدرسه ، کلاس و معلم متنفر خواهد شد .

ضمنا استفاده طولانی از تلویزیون روابط عاطفی و نشاط خانواده را از بین خواهد برد زیرا زمانی را که پدر و مادر و فرزندان با هم صرف گفتگو و بررسی کارهای جاری اکنون از بین میرود ، و گاه یکدیگر را با عصبانیت امر به سکوت میکنند ، تا همگان ساکت و آرام بنشینند و به موضوع مهم و یا غیر ضروری گوش دهند و نگاه کنند ، در این حال ، وقتی باقی نخواهد ماند تا پدر از وضع خانه و فرزندان ، و فرزندان از وضع پدر و آنچه در بیرون میگذرد مطلع شوند .



تنگ و هر روز تنگ تر مینماید .
 زن خانواده فریاد میزند ، گریه میکند ،
 زار میزند و خود را بدبخت میداند . او
 همیشه از بخت بد خود شکایت میکند و
 سعادت و آرامش همسایگان را برخ شوهر خود
 میکشد .

خدمات شوهر جزئی از وظائف اوست
 نسبت بزن و خدمات زن جزئی از وظائف
 اوست نسبت بشوهر و اولادانش . مرد وزن
 این خانواده از بدبختی و کم سعادتسی
 مینالند و زندگی را برای خود و فرزندان
 دلبندها تنگ و غیر قابل تحمل نموده اند
 بطوریکه گهگاه دختر خانواده بسراغ

" صدای داد و فریاد این همسایه تازه
 وارد همه اهل محل را به تنگ آورده ، نه
 شب راحت دارند نه روز البته روزها
 سرو صدای آنها کمتر است ، چون مردخانه
 بسر کار و فرزندان خانواده بمدرسه میروند
 اما همین که مرد بخانه بازگشت و سرها بزیر
 یک سقف رفت بگو مگو شروع میشود ، کم کم
 صدای بگو مگو چون نور چراغ که از پنجره های
 همسایگان به بیرون می آید از پشت درهای
 بسته و درز درها به بیرون میرسد و اندک
 اندک صدا اوج میگیرد و تبدیل به فریاد و
 سپس فحش و ناسزا میگردد و زندگی را بر
 نوجوانانی که در این خانواده زندگی میکنند

همسایگان می‌رود تا بلکه پدر و مادر را اندرز دهند و از بگو مگو و قیل و قال بین آنها کاسته شود .

دیروز ف - ع دختر بزرگ خانواده دم چک پدر گیر کرده بود ، فریاد میکشید ... کمک میخواست ... وهنگامیکه بزحمت خود را از زیر چنگال خشم‌آگین پدر بیرون آورد بخانه همسایه فرار کرد اشک میریخت ناله میکرد ، جاهای کبود شده بدن از کتک پدر را نشان میداد و از بازگشت بخانه امتناع میکرد .

این دختر حق دارد که اینطور بی پناه به همسایگان روی آورد ... همسایگان خودشان هم از دعوای شبانه آنها بستوه آمده‌اند و تصمیم گرفتند که با همدستی یکدیگر برای رفع مزاحمت شبانه ایشان اقدام بکنند و از کلانتری و دادگاه استمداد بخواهند ...

دنیا دنیای عجیبی است ، ماهمه در خوابی عمیق فرو رفته‌ایم و در ژرفای آن غوطه‌وریم و خیال نیکبختی و سعادت برایمان رویائی است .

واقعا اگر جلوه دلفریب این رویای شیرین نبود حیات بشر چگونه بپایان میرسید ، و ماکه از هر طرف با خطرات بیشمار و گوناگون مواجه هستیم و هر روز وساعت ولحظه ممکن است خطری بزرگتر ما را تهدید کند چطور میتوانستیم روزگاری با موفقیت بسربریم و در این راه پرنشیب و فراز ، بدون آنکه از پای درافتیم بسرمنزل مقصود برسیم . بله همه ما

در جستجوی مرغ سعادتیم ، لکن هرکدام به شیوه‌ای مخصوص بآن روی آورده‌ایم . اما هر کس سعادت و نیکبختی را از دریچه چشم خود یکجور میبیند آنچه برای این یکی سعادت است ممکن است برای آن دیگری ذلت باشد ، آنچه برای این یکی شادی آفرین است برای آن دیگری غم افزا باشد فی‌المثل پارسای گوشه‌نشین رمز سعادت و نیکبختی را در دعای نیمه شب و راز و نیاز با خدای خود میداند ، مرتاض وارسته اندیشه وصل و شاهد مقصود را در کشتن نفس بهیمی در سر می‌پروراند ، عاشق بی قرار حقیقت نیکبختی را در چهره محبوبه مینگرد ، و جهانگیر جهان‌خوار در تصاحب سرزمین دیگران و بخاک و خون کشیدن شهرها و بجای گذاشتن ویرانه و اطفال بی سرپرست و غافل ازاینکه نیکبختی و سعادت مثل شاهبازی است که بر قله کوهی بلند آشیان دارد و ماهمه رهنمودانی هستیم که برای رسیدن باین شاهباز خوش خط و خال که همای سعادتش میدانیم در این کوهسار پرنشیب و فراز زندگی گام برمیداریم ، راهی که در پیش روی ماست ، بسی دراز و طاقت فراست لکن از آن بیشتر ذوق و حرارتی است که برای وصول باین شاهد زیباروی در دل داریم و در پی وصلش مجال سستی باقی نمیگذاریم ، اما کسانی که بتوانند این راه طاقت فرسا را بدرستی بپایان برسانند وبا موفقیت در آشیان این شاهباز بلند پرواز جای گیرند

بسیار نادر و کمیاب هستند .

این خانم همسایه که صدای داد و فریادش بفلک رسیده و خواب شبانگاه را بر تمام اهل محل تلخ و حرام کرده است چه خوب بود که با خود میاندیشید که هرکس برای رسیدن به مقصود و هدف ناگزیر است که سعی و اهتمام ورزد و فداکاری کند اگر پارسای گوشه نشین رمز سعادت را در دعای نیمه شب میداند ، گوشه نشینی را انتخاب کرده و برای گوشه — نشینی از بسیاری از مواهب و مظاهر زندگی چشم پوشیده و کف نفس کرده تا به معشوق خود برسد .

خوشبختی و سعادت هرکس بستگی به خود او و همت او دارد . در حقیقت میتوان گفت که اگر ما خوشبخت و سعادتمند نباشیم گناه از خود ما است ، خود ما کمی و کاستی داریم که باید آن کمی و کاستی را پیدا کنیم و در صدد رفع آن برآئیم ، کلید سعادت و نیکبختی در دست ما نهاده شده باید بلد باشیم کسسه چگونه کلید را بکار ببریم ، کلید اگر بدست نادان باشد نمیتواند برای بازکردن از آن استفاده کند اگر بدست بچه باشد همینطور اما اگر در دست فردی عاقل باشد با زیرکی و هوش آنرا بکار میبرد .

حوادث خارجی در خوشبختی ما از آن جهت تاثیر دارد که موجد افکار باطنی میشود ، اگر سر رشته کار خود را بدست گیریم و نگذاریم در موقع بیچارگی روحمان مضطرب شود میتوانیم در عین بدبختی

خوشبخت باشیم ، حتی در همان موقعی که تمام مقدمات بدبختی و بیچارگی ما فراهم است میتوانیم روح خود را از حدود مشکلات بالا ببریم ، خوشبختانه این کار را همیشه میتوانیم بکنیم ، فقط باید ممارست کرده باشیم . همه کس میتواند شناگری ماهر بشود چه موقعی که در آب افتاده بوسیله شنا خود را بساحل نجات برساند چه موقعی که در اقیانوس لایتناهی زندگی با امواج پر خطر آن مواجه شد با سر پنجه عقل و تدبیر خود را نجات دهد . بهمین طریق همه کس میتواند بتدریج ثبات و ملایمت را در خود بپروراند و هنگامیکه سیلاب مشکلات میروند تا بنیان سعادتش را ویران کند با قدرت و ثبات خود را از جلوی آن بکنار بکشد .

چه بسیار اشخاصی بوده اند که در بحبوحه بدبختی خرم و مسرور بودند و برعکس بعضی دیگر در عین خوشبختی اظهار ملامت میکردند ، این یک خاصیت روحی و روانی است که همه کس از آن بهره مند هستند ولی عیب کار در این است که همه کس آنرا مورد استفاده قرار نمیدهند .

در روح انسان قوای مرموزی نهفته است که دائما با کمک آن با مشکلات و مصائب زندگی مبارزه میکند .

زندگی صحنه کارزار و کشمکش است که شب و روز مابین عوامل طبیعت و قوای خالق روح در جریان است . بدفعات اتفاق افتاده که در معبر زندگی بکوچه بن بست می رسیدیم و

درانجا بیاسایند خانه نیست زندان است و هر عمل شما یکنوع شکنجه و عذاب روحی برای فرزندانان می باشد

آیا شما فکر نمیکنید که فرزندان شما صبح که سر از خواب بلند میکنند آرزو مینمایند که شب فرا نرسد زیرا باید شاهد و ناظر درگیری های پدر و مادر باشند و خود کز کنند و به گوشه ای پناه ببرند ! . . .



چرا نومییدی وحسرت را در وجود فرزندانان پرورش میدهید . . ؟
چرا باید فرزند شما آرزوی خوردن یک شام بیسرو صدا را بکند . . . ؟
چرا باید دائم تن او بلرزد که الان دیس غذا از روی سفره بوسط حیاط پرت میشود . ؟
چرا در این غوغا و آشوبی که جهان را فراگرفته بفکر آن نیستید که گوشه دنجی برای خود و فرزندانان فراهم کنید . . . ؟

بقیه در صفحه ۶۰

کمان میکنیم عبور از آن محال است و باید دست از همه چیز بشوئیم ، ولی در همان حال یاسی و بیچارگی و در همان دقایق بدبختی که بنظر سالی میرسد ناگهان روزنه امید از جایی که انتظار نداشتیم باز میشود همه ما در جریان زندگی بارها و بارها باین مرحله رسیده ایم و در آخرین لحظه که درحال چشم پوشیدن از همه چیز بوده ایم ناگهان ازسوئی دری برویمان باز شده است . کیست که این حادثه لااقل چندین بار برایش اتفاق نیفتاده باشد ؟

چرا مادران و پدران آنقدر کم جنبه هستند . . . ؟ چرا خودرا تسلیم طبیعت میکنند . . . ؟ چرا زندگی را بر اطرافیان خود سخت میگیرند و تلخ میکنند . . . ؟ چرا ساعاتی را که باید بخوبی و خوشی کنار یکدیگر بگذرانند با دعوا و ستیزه جوئی میگذرانند . . . ؟

ای پدر خوب که خود را وارسته ترین پدران میدانی و همیشه خصال نیکویت را برخ زن و فرزندت میکشی و هر عیب آنها را هزار بار بزرگتر میکنی و هر روز وساعت چون پتک آهنگری که بر سندان میکوبند بر سر آنها میکوبی کمی بخود آی

وای مادر فداکار که خود را بهترین مادران میدانی و فراهم نمودن وسائل اولیه زندگی اعم از خوراک و پوشاک را از شاهکارهای اختصاصی خودت میدانی ، شما نمیدانید این خانه ای که درست کرده اید تا فرزندانان

در اینگونه موارد گذشته از راهنمایی معالجه و مداوای علل رفتار لازم است و بعلاوه بمنظور ایجاد یک محیط مساعد که یادگیری آن ممکن باشد باید جلوی رفتارنا بجای شاگردان گرفته شود . اقدامات پائین مفید بنظر میآید :

تکان دادن سر - خیره شدن بشاگرد خاطی - نگاه کردن آمیخته با تعجب بوی اخم کردن - برداشتن چیزهایی که موجب جلب توجه طفل و مانع دقت او بدرس است - کتاب تکلیف یا چیزی در اختیار طفل بگذارید تا بجای رفتار غلط از آن استفاده کند . اینعمل معلم با تکان دادن سر یا اشاره کردن بشاگرد همراه است . هنگام تدریس - نوشتن روی تخته - توزیع وسائل وغیره کمک شاگرد خاطی را بخواهید تا فرصت خطاکاری نداشته باشد شاگرد خاطی را بکار دیگری مشغول دارید و باین وسیله او را بکار و کوشش دعوت کنید .

جای او را عوض کنید یا رفیقش را از پهلوی او در جای دیگری بنشانید . اگر از فرصتهاییکه به او داده شده سوء- استفاده کرده است امتیازات مربوط را از وی سلب کنید . او را تا انجام کامل تکالیف در مدرسه نگاهدارید .

خودنمایی و لوس بازی او را در کلاس ندیده بگیرید ولی در خارج کلاس با او صحبت کنید و عمل خلاف را به او تذکر دهید و اصلاح آنرا بخواهید . با چشم ناظر و مراقب اوضاع کلاس باشید . اجازه ندهید خلافتکاری آغاز شود و ادامه یابد . آرام ولی محکم با ذکر کلمه های موقوف کن - آرام باش - در جای خود بنشین .



اجازه ندهید رفتارهای خلاف کوچک به رفتارهای زننده تبدیل شود بدون ناراحت شدن نگرانی وعدم موافقت خود را از عملیکه طفل انجام میدهد نشان دهید .

در خارج از کلاس طفل را بخواهید و او را مورد مواخذه قرار دهید . مواخذه طفل در تنهایی بسیار موثرتر از سرزنش او در کلاس است . علت عدم موافقت خود را توضیح دهید .

فعالیت‌های کلاس را موقوف کنید و درباره عملی که صورت گرفته و مانع پیشرفت درس شده است به بحث پردازید و نتیجه بگیرید بحث درباره رفتارهای صحیح اجتماعی - تعیین ضابطه‌های رفتار به کمک شاگردان - نوشتن مقاله درباره لزوم زندگی مسالمت‌آمیز تشخیص شوخیهای خوب و بد و صدمه از شوخی‌های مضر و مزاحم - بحث در اطراف لزوم قانون در جامعه و نظایر آنها در پرورش انضباط موثر است و باید در ضمن تعلیمات اجتماعی مورد استفاده مربیان واقع شود .

اصلاح شاگردانیکه تمایل شدید به خودنمایی دارند :

این قبیل شاگردان به توجه همکلاسه‌ها و معلمان خود سخت نیازمندند . میخواهند خوب و مورد قبول باشند ولی راه و رسم رسیدن باین منظور را نمیدانند و لذا به رفتارهای غیر معمول دست میزنند . راه کلی اصلاح این شاگردان آنستکه انرژی آنها را در راههای پسندیده و قابل قبول بکاراندازند و

تمایل شدیدایشانرا به جلب توجه و دقت دیگران باین وسیله ارضاء کنند . اقدامات پائین مفید بنظر میآیند :



جمع‌آوری و توزیع وسایل - ایفاء نقشهائی در تاتر - کمک به معلم در نشان دادن یا معرفی فعالیت‌های تازه - گزارش شفاهی - شرکت در تیم مشاعره - اجازت مقام رهبری در کلوپ‌ها خواستن راه حل برای مسایل مدرسه - حفظ و نگهداری وسائل مدرسه - انجام ماموریت‌های در زمین بازی راهروها و کتابخانه - برپا - ساختن نمایشگاه - ماموریت رساندن پیغام از طرف معلم به مدیر و ناظم و بالعکس - تزئین کلاسها - سرپرستی امور - خدمت در گروه - های امدادی مدرسه - رهبری و اداره دستم - های ورزشی و هنری - کمک به انتشارات مدرسه - پلیس مدرسه - کمک بشاگردان ضعیف در انجام تکالیف یا مرور دروس - جمع‌آوری اعانه - کاپیتان تیمهای ورزشی - تصدی جعبه اعلانات - اداره گروه‌هاییکه در رقابتهای مدرسه شرکت میکنند - خدمت و کمک در اجرای طرح‌های اجتماعی واضح است که واگذاری این مسئولیت‌ها بشاگردان باید باتوجه کامل به میزان پختگی و تجربه شاگردان باشد و بعلاوه این مزایا نباید تنها نصیب کسانی باشد که بخودنمائی احتیاج دارند همه شاگردان میتوانند چنین مسئولیت‌هایی داشته باشند و در راه نیل



انضباط شاگردان ناراحت و نا متعادل :
درمورد شاگردانی که ناراحتی های عاطفسی دارند برقراری انضباط پیچیده تر است زیرا تشخیص عوامل موجب ناراحتی اغلب به مشاهده در نمی آید و بعلاوه وضع و حالت هر فرد با دیگران متفاوت است و درباره نحوه های رفتار آنها نمیتوان حکم کلی صادر کرد . عمل و رفتار این قبیل شاگردان محصول نا کامیهای طولانی است و با روشهای معمولی نمیتوان آنها را برطرف ساخت .

معلمان درمورد این قبیل دانش آموزان که به کمک و راهنمایی های زیاد و معالجه و مداوا احتیاج مبرم دارند باید بسیار آگاه ، با حوصله و متین و دلسوز باشند . باید به شاگردان فهمانند که با عمل و رفتار خلاف و ضد اجتماعی آنها بهیچوجه موافقت ندارند سپس از طریق مصاحبه با معلمان سابق - بازدید از خانواده ها - مطالعه وضع و محیط زندگی و پرسش از خود آنها اطلاعات جامعی درباره زندگی آنها جمع آوری کنند . معلمان با تجربه میدانند که نحوه رفتار این دانش آموزان مبین خواسته های ایشان است . بدون آنکه بدانند میخواهند خوب باشند احراز موفقیت کنند و مردم به آنها اعتقاد و اطمینان داشته باشند اما به معلمان خود به عنوان یک دشمن مینگرند و با آنها اعتماد

پس از جمع آوری اطلاعات لازم وظیفه مسلم آنستکه با شاگردان به مصاحبه بپردازد و با آنها بفهماند که علت ناراحتیهای آنها را میدانند و میخواهد با آنها در رفع مشکل همکاری و کمک کند . باید بخوبی برای طفل خاطی روشن شود که چرا معلم با رفتار او مخالف است و بچه دلیل اجازه مبادرت بچنین اعمالی را باو نمیدهد . مدتها طول میکشد تا شاگرد به معلم خود اعتماد کند و بخیرخواهی او واقف گردد . پرورش انضباط در این قبیل شاگردان از تعلیم هر درس دیگر مشکل تر است و در بسیاری از موارد همکاری متخصصان روانشناسی و روانپزشکی

لازم می آید . در هر حال بتدریج باید این روحیه در افراد مذکور بوجود آید که مردم آنها را دوست دارند و بخوبی وارزش آنها اعتماد و اعتقاد دارند . نگاه دوستانه معلم تأیید رفتارهای مورد پسند شاگردان ذکر کلمات امیدوار کننده و گرم و کمک بایشان در بیان عواطف از طریق انجام کارهای دستی و هنری و علمی و خواندن داستانهای قهرمانی به پرورش روحیه صحیح در آنها کمک میکند . توجه به نکات پائین موجب سهولت کار معلمان در برقراری انضباط است :

۱- هنگام بروز اشتباه و خطا شاگرد خاطی را بنام صدا کنید و از او بخواهید ساکت باشد و از ادامه عمل خلاف خودداری کند . ذکر جملاتی مانند کلاس ساکت باشد - آرام

۲- پشت خود را بکلاس نکنید . مراقب اوضاع و احوال کلاس خود باشید . چشم خود را بشاگرد خاکی بدوزید و باین وسیله او را از عمل خلاف باز دارید .

۳- واضح صحبت کنید تا شاگردان آخر کلاس مطالب شما را بخوبی بشنوند .

۴- بشاگردان آخر کلاس بیش از شاگردان جلوی کلاس توجه داشته باشید .

۵- همه شاگردان کلاس را برای خطای یکنفر تنبیه نکنید .

۶- تنبیه را طوری انتخاب کنید که در نظر شاگردان معقول باشد . هنگام تنبیه خویشتن دار و خونسرد باشید و با توجه به اثر تنبیه در روی شخصیت اطفال باین کار مبادرت ورزید .

۷- اطفال را به سعایت و " خبرچینی " تشویق نکنید .

۸- هیچوقت بشاگرد خاکی اهانت نکنید و از تحقیر و استهزاء او بپرهیزید عذرخواهی شاگرد برای جبران خلافتی که مرتکب گشته است خوب است ولی وادار ساختن او به عذرخواهی صلاح نیست .

۹- تنبیه بدنی آخرین علاج نیست و پس از بکار بردن روشهای انضباطی دیگر در صورتیکه نتیجه مطلوب حاصل نشده باشد میتواند مورد استفاده قرارگیرد .



مهارتهای دانش آموزان چگونه است ، قدرت جمع کلاس چقدر است ، چه برنامه پیشنهادی برای کلاس دارند ، آیا میتوانند بیشتر از برنامه رسمی شاگردان را پیش ببرند ، حدودا درجه رشتهای وجه زمینههایی وجه پیشنهاداتی بمرسه دارند ، و بالاخره چه کمکهائی از مدیر وسایر همکاران ووالدین انتظار دارند .

چرا برخلاف نظر روانشناسان به معلمان توصیه میشد که پروندههای کودکان را مطالعه نکنند ؟ ما بتجربه دریافته بودیم که این مطالعه پیش داوری ایجاد میکند ، معلم قبل از برخورد مستقیم با شاگرد و ایجاد رابطه صحیح وسالم با او از شاگرد تصویری در ذهن میسازد که با واقعیت تطبیق نمیکند و ممکن است عکس العمل و رفتارهای پیش ساخته معلم که خواه و ناخواه عموما بر نقاط ضعف کودک متمرکز میشود باعث تشدید آنها شده ، معلم از قدرتها ، نیازها و میزان رشد کودکان یا نوجوانان غافل بماند .

— در چنین مدرسهای معلم دائم به تکمیل معلومات و مطالعات و تجربیات خود میپردازد و مدیر ایجاد امکانات این پیشرفت مداوم را برنامه اصلی ووظیفه خود میداند .